

تعامل و تقابل در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا

مسعود مرادی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده:

از ابتدای دهه ۱۹۸۰، ایران در روابط بین‌الملل خود با بحران‌هایی در سطح جهانی روبرو شده است. انقلاب اسلامی از جناح شرقی و جهان کمونیسم طرفداری نمی‌کرد و منافع جهان غرب با انقلاب در منطقه خاورمیانه ناسازگار بود. در نتیجه افزایش تنش‌های بین‌المللی دولت عراق با حمایت برخی از کشورهای بیگانه به مرزهای ایران حمله کرد. قسمت غربی ایران اشغال شد و مناطق نفتی ایران خسارت فراوان دید و بسیاری از شهرهای ایران ویران گشت. حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق وارد یک جنگ طولانی شدند. این جنگ به ناچار سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرارداد. تحولات دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چشم‌اندازهای جدیدی را در زمینه روابط بین‌الملل فراهم کرد. ایران شرایط جهانی را برای خدمت به منافع ملی خود ارزیابی می‌کرد. دولت‌های رفسنجانی و خاتمی با تکیه بر سیاست‌های تعاملی با جهان، درصد جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل توسعه کشور بودند و در این راستا اتحادیه اروپا می‌توانست شریک مهمی باشد. اما در دولت‌های بعدی، تنش‌های ایران با جامعه بین‌المللی بار دیگر افزایش یافته و روابط با اتحادیه اروپا و ایران با مشکلات جدی مواجه شد. دیپلماسی ایران کجا منافع ملی خود را دنبال می‌کرد و تا چه اندازه می‌توانست موفقیت کسب کند؟ پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران از طریق روش تحلیلی - تفسیری با متد پژوهش‌های تاریخی و مبتنی بر اسناد و اخبار منتشر شده انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، روابط خارجی، توازن بین‌المللی، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۹

E-mail: dr_mmoradi@yahoo.com

مقدمه

بررسی روابط خارجی کشورها و دولت‌ها در چهارچوب مناسبات و بسترهای تحولات تاریخی^۱ ما را به درک بیشتر ضرورت‌ها و نیازهای این روندها و فرآیندهای روابط رهنمون می‌شود. علاوه بر آن تحولات تاریخی شرایط شکل‌گیری مناسبات بین ملت‌ها و دولت‌ها و آسیب‌شناسی این روابط مزبور را بیشتر نمایان می‌سازد. دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی پس از جنگ اول جهانی و امتداد آن تا پایان جنگ دوم جهانی منجر به پدید آمدن هژمونی‌هایی شد که تا پایان دهه ۹۰ میلادی ادامه داشت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور اتحادیه اروپا به‌عنوان یک قدرت قاره‌ای بالفعل و یک قدرت جهانی بالقوه چشم‌انداز نوینی در سیاست جهانی پدیدار گشت و بستر مناسبی برای برقراری روابط متفاوت در جهان بین کشورها و دولت‌ها به وجود آورد. این پدیده می‌توانست به تک‌بعدی بودن روابط مسلط سیاسی در جهان پایان دهد و دریچه دیگری بر روابط بین‌المللی بگشاید. ایران که در تنگنای روابط با آمریکا قرار گرفته بود به آینده روابط خود با اتحادیه اروپا امیدوار بود.

نقش تعیین‌کننده آمریکا در شکل‌گیری روابط خارجی ایران پس از آغاز انقلاب

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ به لحاظ ایدئولوژیکی نمی‌توانست با اتحاد جماهیر شوروی که در مرزهای شمالی قرار داشت و هزاران طرفدار برای خود کسب کرده بود، روابط چندان حسنه‌ای داشته باشد. برای ایران، شوروی دنباله امپراتوری تزاری بود که همواره به مرزهای ایران چشم‌داشت و در قرن ۱۹ بخش‌های عمده آن را در قفقاز و آسیای میانه متصرف شده بود. وارثان تزارهای سفید^۲شوالیه‌های سرخی بودند که در دوران جنگ دوم جهانی با استمرار اشغال مرزهای شمالی ایران سوءنیت خودشان را نشان دادند.

دولت‌های اروپایی و آمریکا در ایجاد روابط سیاسی با ایران انقلابی در تردید بودند^۳ هرچند به ایجاد حسن روابط با دولت بازرگان که از داشتن روابط دیپلماتیک با آمریکا و اروپا حمایت می‌کرد^۴ امید بسته بودند. هنگامی که بیست نفر از عوامل سازمان سیا در کوه‌های شمال شرق ایران به اتهام استراق سمع از شوروی دستگیر شدند، دولت موقت آن‌ها را بلافاصله آزاد و راهی آمریکا کرد. اما گروه‌های چپ‌گرا و عمدتاً مارکسیستی و کمونیستی در حرکت‌های طراحی شده افکار عمومی کشور را به سمت‌وسوی جهت‌گیری‌های افراطی ضد غربی با محوریت امریکایی سوق دادند و هر یک از این گروه‌ها تلاش در ابراز دشمنی سخت‌تر و آشتی‌ناپذیرتر با آمریکا داشتند.

حرکت‌های ضدانقلابی در ایران به دخالت آمریکا نسبت داده می‌شد. شرایط سخت سیاسی، نومییدی رادیکال‌ها از حرکت‌های تند انقلابی، کوتاهی دست گروه‌های چپ از قدرت و سیطره گروه‌های لیبرال سبب شد تا سرانجام دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ برای کوتاه کردن دست لیبرال‌ها از قدرت، اقدام به تصرف و اشغال سفارت آمریکا کنند. بهانه این اقدام پذیرش شاه برای معالجه در آمریکا که به درخواست دیوید راکفلر رئیس بانک چیس مانهاتان صورت گرفت بود. در آن زمان میلیاردها دلار ثروت ایران در نزد این بانک ذخیره شده بود و خروج آن می‌توانست نظام بانکداری آمریکا را دچار لطمات شدید نماید. (سلیمانی. ص ۱۷). اشغال سفارت آمریکا منجر به قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور بلوکه شدن دارایی‌های ایران در ایالات متحده و جهت‌گیری دو کشور علیه یکدیگر گردید. در آمریکا کارتر نتوانست بار دوم بر مسند ریاست جمهوری قرار گیرد اما رقیب او رونالد ریگان موفقیت بی‌نظیری را نصیب خود کرد. (گرانویل. ج ۳ ص ۱۴۸۳). از این پس ایران به‌عنوان یک تهدید علیه منافع غرب به حساب می‌آمد. اقدامات بعدی ایران در عرصه بین‌الملل این نگرانی‌ها را تشدید کرد. (Dominguez, 2007:4)

بحران گروگان‌گیری تحریم‌های سختی را علیه ایران سبب شد. جنگ عراق علیه ایران مناسبات خارجی ایران را با مشکلات تازه‌ای روبرو کرد. متحدین آمریکا در منطقه از بروز این جنگ اظهار رضایت کردند. اسرائیل موقعیتی استثنایی به دست آورد و تأسیسات اتمی عراق را نابود کرد. بیش از دویست میلیارد دلار کمک‌های متحدین آمریکا نصیب عراق گردید. در چنین شرایطی ایران قادر به برقراری روابط با آمریکا نبود. اسلحه ایران از بازار آزاد تهیه می‌شد ولی در عوض تمام کشورهای غربی و شرقی اسلحه‌های خود را به عراق گسیل کردند. پس از پذیرش آتش‌بس در ۱۳۶۷ و تهاجم عراق به کویت فضای تازه‌ای در روابط بین‌الملل ایجاد شد. عراق با چراغ سبز آمریکا به کویت حمله کرد و آن منطقه را به خاک خود الحاق نمود. پس از قدرت یافتن بیل کلینتون نیز سیاست «مهار دوگانه» علیه ایران و عراق در منطقه اعمال شد که تحریم‌های همه‌جانبه را اعمال می‌کرد.

در اکتبر ۱۹۹۲ جرج اچ دابلیو بوش (۱۹۸۸-۱۹۹۲) تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد که مورد حمایت سناتورهای الگور و مک‌کین قرار گرفت. این تحریم‌ها شامل افراد کشورهای سلاح‌های شیمیایی بیولوژیکی و تسلیحات اتمی می‌شد. تحریم‌ها در دوره کلینتون (۱۹۹۲-۱۹۹۶) نیز ادامه یافت. هاشمی رفسنجانی برای نخستین بار پس از بحران گروگان‌گیری ۱۹۷۹ درصد بود تا با انعقاد قرارداد نفتی یک میلیارد دلاری با کمپانی آمریکایی کونوکو (CONOCO) به بهبود روابط کمک کند. اما

اما کلینتون ایران را به دلیل حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح اعراب و اسراییل محکوم کرد و تحریم‌هایی را علیه حوضه‌های نفتی ایران وضع کرد و تلاش‌های هاشمی را برای بهبود روابط خارجی ایران با جهان را خنثی نمود. اقدامات کلینتون سبب شد تا دلار از ۲۵۰۰ ریال به ۶۵۰۰ ریال جهش کند و دولت ناچار به ارائه ارزهای چند نرخ شد که پیامدهای زیانباری برای اقتصاد ایران داشت.

روابط خارجی ایران و اروپا

روابط سیاسی و اقتصادی و علمی - فرهنگی کشورهای اروپایی با ایران کمی پیش از عصر صفویان آغاز شد. انگلستان، فرانسه، پرتغال و اسپانیا روابط خود را در یک معاملات و معادلات پایایی با یکدیگر قراردادند. پرتغالی‌ها در عصر گسترش استعماری خود مناطقی از جنوب ایران را متصرف شدند. بعدها در دوران قاجار انگلیسیان نیز در امور داخلی ایران مداخله کرده و موجبات جدایی هرات و بخش‌هایی از خراسان از ایران شدند. آلمان‌ها پس از تشکیل رایش اول با ایران روابط دیپلماتیک گسترده و عادلانه‌ای برقرار کردند. بعدها کشورهایی چون سوئیس و بلژیک با اهداف انسان دوستانه به میدان تعاملات با ایران وارد شدند.

طی جنگ‌های جهانی اول و دوم روابط برخی از کشورهای اروپایی چون انگلستان و روسیه با ایران خصمانه و اشغالگرانه بود. تنها پس از جنگ دوم جهانی بود که اتحادیه‌های مختلف اقتصادی اروپایی مانند بازار مشترک‌المنافع بریتانیا و جامعه اقتصادی اروپا به دلیل نیاز به نفت ایران روابط تجاری خود را با این کشور گسترش دادند. دادوستد ایران با سه قدرت عمده اقتصادی جهان یعنی آمریکا، انگلستان و آلمان تنظیم می‌گردید. اما پس از انقلاب اسلامی و با تیره شدن روابط ایران و آمریکا کشورهای اروپایی شریک اصلی تجاری ایران شدند به گونه‌ای که ۶۰ درصد از مبادلات تجاری ایران با سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان صورت می‌گرفت.

اروپای متحد و ایران

از آغاز دهه هشتاد قرن بیستم میلادی که نهادهای اروپایی راه را برای تدوین و تصویب عهدنامه و پیمان‌های اتحاد در جامعه اروپا فراهم کردند و توانستند در فاصله کوتاهی کشورهای متحد را از شش به ۹ و سپس ۱۲ و ۱۵ برسانند تحولات بسیاری پدید آمد. این تحولات منجر به در پیش گرفتن تدریجی سیاست خارجی یکسانی با دنیای خارج از خود شد. اما از آنجائی که سازمان‌ها و نهادهای

اروپایی هر یک وظایف خاص خود را ایفا می‌کردند، برخورد با مسائل ایران از زوایای مختلف مورد توجه آنان قرار گرفت. در آغاز دهه ۹۰ مسائل حقوق بشر، حقوق زنان، مبارزه با تروریسم، آزادی‌های فردی و مدنی و ده‌ها مسئله دیگر مطرح شدند و بر سر برخی از موضوعات تصمیمات مشترکی علیه ایران اتخاذ کردند. سیاست کلی اتحادیه اروپا طی دهه ۸۰ و ۹۰ همکاری و همگامی با آمریکا بود. از این رو دولت ایران تلاش‌های آشکار اندکی در راه بهبود روابط سیاسی با اتحادیه اروپا برمی‌داشت. اصولاً شناخت عمیقی از کارکردها و ساختارهای اتحادیه مزبور برای امور خارجه ایران وجود نداشت تا بتواند بر اساس آن در جهت حل و رفع مشکلات و سوء تفاهمات احتمالی گام بردارد.

در دهه پایانی قرن بیستم تحولات شگرفی در داخل اتحادیه اروپا و خارج از آن به وجود آمد. انعقاد پیمان ۱۹۹۲ ماستریش، پیمان شنگن ۱۹۹۴، اتحاد پولی و پول واحد اروپایی تا ۲۰۰۰ ناتوانی اتحادیه اروپا در مهار بحران‌های بالکان، فروپاشی شوروی و بلوک شرق و تک‌قطبی شدن قدرت جهانی، سرعت گرفتن فرآیند جهانی‌شدن و مشکلات ناشی از آن، شکل‌گیری سازمان دفاعی اروپا در کنار ناتو، فرآیند رشد حرکت‌های ناسیونالیستی افراطی درون کشورهای جامعه اروپایی، تشدید بیکاری و ده‌ها مسئله دیگر. مجموع این تحولات اروپا را به سوی وحدتی بی‌سابقه و کم‌نظیر پیش برد و در خلأ سیاسی قدرت اروپایی (اعم از روسیه یا سایر کشورهای اروپایی) در توازن جدید سیاسی جهان بدان نقش نسبتاً مؤثری داد که قادر بود در آسیا، آفریقا و خاورمیانه به ایفای نقش بپردازد و کشورهایی از جمله کشور ایران به داشتن مناسباتی تعیین‌کننده و در مقیاس جهانی، بدان متوسل گردیدند.

آیا امیدهای ایران در استفاده از فرآیند قدرت‌گیری اروپا در مقابله با سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای آمریکا می‌توانست به تحقق پیوندد؟ و آیا در توازن جدید مسائل سیاسی و روابط خارجی ایران در پیوند با اتحادیه اروپا از استحکام خوبی برخوردار می‌شد؟ ایران برای بازسازی ویرانی‌های جنگ نیاز به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های غربی داشت. رقابت‌های معمول بین قدرت‌های سیاسی این امکان را فراهم می‌کرد تا کشورهایی نظیر ایران بتوانند با ترسیم سیاست خارجی حساب‌شده و با تکیه بر منافع ملی خود از این موقعیت‌ها استفاده و به اخذ و کسب تکنولوژی و فن‌آوری نائل آیند. گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا پس از پذیرش آتش‌بس روند بهتری پیدا کرد. در دوران سازندگی، اروپا به این امید که ایران به اصول دموکراسی و حقوق بشر پای بند باشد، گفتگوهای انتقادی خود را ایران را آغاز کرد.

اتحادیه اروپا و فرآیند تعاملات با ایران

روابط ایران و اروپا از انقلاب تاکنون به پنج مرحله تقسیم می‌شود: سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ که با شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی و با بحران گروگان‌گیری و جنگ عراق علیه ایران همراه بود. سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ که با سیاست‌های اعتدال‌گرایانه رفسنجانی برای بهبود روابط تلاش می‌کرد اما نتوانست بر بحران‌های داخلی و خارجی غلبه کند. دوره او به قطع کامل روابط ایران و اروپا انجامید. سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ که با ریاست جمهوری خاتمی گام‌های اساسی برای بهبود روابط برداشته شد. سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ که با بحران‌های اتمی دوران احمدی‌نژاد همراه شد و دورانی از بحران روابط را ایجاد کرد. از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ که با حل بحران هسته‌ای و توافق برجام قرار بود عصر متفاوتی در روابط ایجاد شود. (Fiedler. 2018:13)

روابط اجزای اصلی اتحادیه اروپا و ایران

۱- فرانسه و ایران انقلابی

فرانسه میزبان خوبی برای آیت‌الله خمینی در دوران انقلاب بود. امام از اینکه فرانسه امکان رساندن پیام انقلاب و امنیت ایشان را فراهم نمود از دولت و ملت این کشور تشکر کرده بود. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۶) روزنامه‌نگارانی چون اریک رولو سردبیر لوموند و اولین خبرنگار خارجی مصاحبه‌کننده با آیت‌الله خمینی و فیلسوفی چون میشل فوکو نویسنده «ایرانیان چه رؤیایی در سردارند» نیز در نوشته‌های خود چهره‌های مثبت از ایران و انقلاب آن به تصویر می‌کشیدند.

این دوستی چندان پایدار نماند و با فرار افرادی از حکومت پهلوی و شاپور بختیار و بعداً ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی تا سال ۱۹۸۱ روابط دو کشور تیره شد. در سال‌های جنگ ایران و عراق و پس از ریاست جمهوری فرانسوا میتران در ۱۹۸۱ روابط نظامی با عراق گسترش یافت و هواپیماهای جنگی سوپر اتاندارد و میراژ اف یک با خلبانان فرانسوی تأسیسات نفتی ایران را در خارک بمباران می‌کردند. (Tarock. 1991:47) در زمان محمدرضا شاه ایران یک میلیارد دلار در تأسیسات اتمی فرانسه سرمایه‌گذاری کرده بود که تنها پس از مداخله ایران در رهایی گروگان‌های فرانسوی در ۱۹۸۸ از اسارت لبنانی‌ها توانست ۳۳ درصد آن را وصول کند. دولت فرانسه برای بهبود روابط و جلوگیری از تهدیدهای تروریستی و حمله به کشتی فرانسوی در خلیج فارس و حل ماجرای وحید گرجی سرانجام مجاهدین خلق و مسعود رجوی را از فرانسه اخراج کرد و سازمان مزبور را در لیست تروریستی قرارداد.

در سپتامبر ۱۹۹۷ توافق نفتی دو میلیارد دلاری بین دو کشور بسته شد. وقتی شرکت توتال با تحریم آمریکا روبرو شد نخست‌وزیر فرانسه 'لیونل ژوسپن' علیه این اقدام اعتراض کرد. (50- Tarock. 1991:48)

۲- انگلستان و ایران انقلابی

انگلستان مدت‌ها (۱۹۷۱) قبل از انقلاب اسلامی ایران حمایت خود را از شاه برداشته بود و ایالات متحده جای آن کشور را گرفته بود. اما در اندیشه انقلابیون بریتانیا همان پیر استعمارگری بود که موجبات جدایی سرزمین‌های زیادی از ایران را فراهم آورده بود و در امور داخلی ایران دخالت می‌کرد. اندکی پس از پیروزی انقلاب یک گروه تروریستی شش نفره سفارت ایران در لندن را به تصرف خود درآورد که با مداخله نیروهای ویژه ارتش به پایان رسید. روابط دیپلماتیک ایران و انگلستان تا ۱۹۸۸ قطع بود. نام‌گذاری خیابان چرچیل به بابی ساندز (مبارز ایرلندی که بر اثر اعتصاب غذا مرد) از جهت‌گیری خصمانه ایران علیه انگلستان حکایت داشت. یک سال پس از بازگشایی سفارت انگلستان در تهران 'سلمان رشدی' کتاب آیات شیطانی خود را منتشر کرد که موجبات اعتراضات گسترده در جهان اسلام و فتوای قتل نویسنده را در پی داشت. این ماجرا برای دولت مارگارت تاچر به بحرانی جدی در روابط ایران و انگلستان و متعاقب آن سایر اعضای اتحادیه اروپا تبدیل شد. سطح روابط دیپلماتیک تا ۱۹۹۰ به حد کاردار کنسولی کاهش یافت. از ۱۹۹۸ که خاتمی به ریاست جمهوری رسید روابط به تدریج عادی شد و جک استراو' وزیر امور خارجه انگلیس در ۲۰۰۱ به تهران آمد. (Neville.2013:157)

۳- آلمان و ایران انقلابی

در میان کشورهای اروپایی 'آلمان' از روابط کم تنش‌تری برخوردار بود. طی جنگ‌های جهانی اول و دوم ایران قربانی حسن روابط خود با آلمان شده بود. پس از انقلاب نیز وزیر خارجه آلمان 'هانس دیتريش گنشر' اولین وزیر اروپایی بازدیدکننده از تهران بود. اما در حین جنگ عراق علیه ایران آلمان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین سلاح‌های شیمیایی به عراق بود. بخشی از روابط ایران و آلمان تحت تأثیر تأثیر روابط این کشور با آمریکا و اسرائیل قرار می‌گرفت. در شورای آتلانتیک ۱۹۹۳ آلمان با آمریکا بر سر رابطه با ایران دچار اختلاف شد. (Feidler.2018:16) حادثه ترور رهبران کرد در میکونوس به

سال ۱۹۹۲ و پس از آن حکم دادگاه آلمانی در سال ۱۹۹۷ علیه رهبران ایران روابط سیاسی دو کشور را به شدت تیره کرد. دستگیری چند آلمانی در ایران و مبادله آن‌ها حوادثی بودند که تأثیرگذاری‌های سیاسی اندکی ایجاد کرده ولی روابط اقتصادی را چندان تحت تأثیر قرار ندادند. پس از جنگ آلمان به شریک اصلی تجاری ایران تبدیل شد به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۴ حدود ۳/۶ میلیارد دلار حجم صادرات صادرات این کشور به ایران بود.

روابط ایران و اتحادیه اروپا از هاشمی تا امروز الف: دوران هاشمی رفسنجانی

اتحادیه اروپا در نشست ۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ خود در ادینبورگ در شورای وزیران اتحادیه پیشنهاد گفتگوی انتقادی با ایران را مطرح کرد تا بتواند ایران را بر سر موضوعاتی چون مسائل حقوق بشر^۱ لغو فتوای قتل سلمان رشدی و رعایت حقوق بین‌الملل بر سر میز مذاکره آورد. (Feidler.2018:17) مسائل سلمان رشدی، یهودیان ایران و میکونوس در کانون توجه اروپاییان برای روابط با ایران قرار گرفت که خود بیانگر نوعی بی‌اعتمادی در روابط دو طرف می‌باشد. حقوق بشر هم برای دولت‌های درون اتحادیه اروپا و هم مخالفان حکومتی به منظور وارد کردن فشار بر دولت ایران جایگاه مهمی داشت. (شکوائیه جنبش آشتی ملی مرداد ۸۲)

اروپا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان به حساب می‌آید که ۵۰ درصد آن را وارد کرده و در آینده این میزان به هفتاد درصد می‌رسید. (le pétrole en europe گزارش سال ۲۰۰۰ ص ۱۸) منبع اصلی تهیه این مواد اعم از نفتی و غیره خاورمیانه بود. اگرچه با پیوستن روسیه به اتحاد اروپا تا حدی بازارهای نفتی این کشور برای اروپا گشوده می‌شد، مع‌ذالك از نفت و گاز خاورمیانه و آسیای مرکزی بی‌نیاز نمی‌توانست باشد و ایران در این میانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.

در سال ۱۹۹۵ به‌رغم گفتگوهای انتقادی بین ایران و اتحادیه اروپا^۲ ایالات متحده بیشتر بر تغییر رفتارهای سیاسی ایران با وضع تحریم‌های فلج‌کننده تأکید داشت تا بر گفتگوی انتقادی^۳ لذا آمریکا درصدد اعمال فشار بر اروپا در پیروی از این مشی داشت. گفتگوهای انتقادی در سطح وزیران و در چارچوب قوانین و مقررات عمومی سازمان ملل متحد انجام می‌پذیرفت. (گزارش پارلمان اروپا ۱۹۹۵). در گزارش سال ۱۹۹۶ شورای اروپا بر دعوت کمیته سیاسی شورا برای بررسی راه‌های گفتگوی انتقادی با ایران و پیشرفت‌های آن تکیه دارد. (۱۹۱۵۰ لوکزامبورگ ۹۶/۴/۲۲) اما در سال بعد با توجه

به آنچه در میکونوس گذشت شورای اروپا به این نتیجه رسید که نیازی به ادامه گفتگوهای انتقادی بین اتحادیه اروپا و ایران که از ۱۹۹۲ آغاز شده است، نیست. آن‌ها اعلام داشتند که مسئولان اروپایی گفتگو را از ایران فراخوانده‌اند و زودتر از نوامبر ۱۹۹۷ آن‌ها را به ایران بر نخواهند گرداند. (گزارش پیشرفت اتحاد اروپا ۱۹۹۷) و بدین ترتیب مناقشات جدی بین ایران و اتحادیه اروپا در این سال دنبال شد.

قطع رابطه ایران و اروپا و خروج دیپلمات‌ها

از همان آغاز جمهوری اسلامی روابط ایران و اروپا رو به تیرگی نهاد و بهانه‌های حقوق بشری که از سوی مخالفان انقلاب در سطح جهانی تبلیغ می‌شد زمینه این تیرگی روابط را به وجود آورد. دولت‌های اروپایی بارها ایران را به خاطر رفتارهای خشونت‌آمیز با مخالفان 'اقلیت‌های مذهبی' اقلیت‌های قومی و موارد دیگری چون عملیات تروریستی در خارج از ایران مورد انتقاد قرار دادند. به قتل رسیدن تعدادی از مخالفان رژیم در کشورهای اروپایی بر روابط ایران و این کشورها تأثیراتی نامطلوب گذاشت. ایستادن برخی از قدرت‌های اروپایی در کنار عراق در جنگ علیه ایران به تیرگی بیشتر روابط می‌انجامید. به‌رغم اتحاد کشورهای اروپایی که از ساختار یکسانی برخوردار نبودند در قبال ایران رفتارهای متفاوتی در پیش گرفتند. فرانسه در آغاز دوست ایران به حساب می‌آمد. اما با پناه دادن به شاپور بختیار، ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی و بعداً به اکثر مخالفان رژیم در صف مخالفان جمهوری اسلامی قرار گرفت. انگلستان با انتشار آیات شیطان‌ی رشدی در ۱۹۸۹ به سرعت در صف دشمنان ایران قرار گرفت و خاطرات دوران استعماری را در ذهن دولتمردان ایرانی زنده کرد. روابط ایران و آلمان نیز پس از ترور رهبران کرد در میکونوس ۱۹۹۷ به شدت تیره شد. بدین ترتیب در اروپا بهانه‌های لازم برای عدم اعتماد به ایران وجود داشت و زمانی که دولت هاشمی بر سرکار بود، این بحران‌ها همچنان لاینحل باقی ماندند. تمامی سفرای اروپایی تهران را ترک کرده و تا انتخاب خاتمی در نوامبر ۱۹۹۷ بازنگشتند.

ب: دوران محمد خاتمی و چشم‌انداز بهبود روابط

با پیروزی جنبش اصلاح‌گرایانه دوم خرداد و در پیش‌گیری سیاست تنش‌زدایی توسط خاتمی، چشم‌اندازهای تازه‌ای در روابط بین‌المللی خصوصاً با اروپایی‌ها گشوده شد. خاتمی در مصاحبه‌های اولیه خود از برقراری روابط عادلانه با جهان صحبت می‌کرد و در گفتگو با خبرگزاری CNN از گفت‌وگو بین

ملت‌های آمریکا و ایران سخن به میان آورد. طرح گفتگوی تمدن‌ها نیز در جهت عادی‌سازی روابط ایران با جهان خارج مطرح گردید. تأثیر در پیش گرفتن چنین سیاستی، فضای سیاسی جهان را به نفع ایران تغییر داد و بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده به عادی‌سازی روابط خود با ایران اقدام کردند. وزیر خارجه آمریکا مادلین البرایت در پیام ۲۵ اسفند ۱۳۷۸ خود به مناسبت عید نوروز به اشتباه آمریکا در حمایت از کودتای علیه مصدق اذعان داشت و اظهار امیدواری کرد که آمریکا بتواند این اشتباهات را جبران کند. اما چالش‌های درونی دو کشور مانع عادی‌سازی روابط شد.

آثار تحول دوم خرداد ۱۳۷۶ خود را در سیاست خارجی نشان داد. در گزارش شورای اروپا بر این نکته توجه شده است. این گزارش می‌نویسد: «شورا روابط بین اتحاد اروپا و ایران را مجدداً مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال اعزام رؤسای سیاسی سفارت‌های خود در نوامبر و با توجه به اهداف دولت جدید ایران، تحت ریاست رئیس‌جمهور خاتمی، امید بهبود بیشتر مناسبات بین ایران و اتحاد اروپا می‌رود. وزیران بر این باورند که منافع اتحادیه و کشورهای عضو در همکاری بین ایران و اتحاد اروپا است.» (۲۰۶۶۰. لوکزامبورگ ۹۸/۱/۲۶) در واقع شورای اتحاد اروپا بر این باور بود که موقعیت جدید سیاسی در ایران راه‌های به توافق رسیدن در اتخاذ سیاست‌های مشترک را هموارتر خواهد کرد. بنابراین گفتگوی مجدد در سطح وزیران جریان یافت. شورای مزبور از کمیته سیاسی اتحادیه خواست تا با نظر روابط عمومی اتحادیه، مطالعاتی پیرامون این رابطه انجام دهد.

طی سال‌های دولت خاتمی مسائل حقوق بشر در حاشیه قرار گرفت و با توجه به روند پیشرفت دموکراسی و اصلاحات، وضعیت حقوق بشر بهبود یافت. این شرایط تا پایان سال ۲۰۰۲ تداوم داشت. در دوره اصلاحات گفتگوهای انتقادی به گفتگوهای سازنده تبدیل گردید. تنها در سال ۱۳۸۲ بود که فشارهایی از جانب آمریکا و اسرائیل در خصوص انرژی اتمی ایران بر اتحادیه اروپا وارد شد و به صورت بیانیه‌ای شدیدالحن بیان گردید.

در دوران دولت اصلاحات لحن گزارش‌های اتحادیه اروپا نیز عوض شده بود. در گزارش فوریه ۱۹۹۸ شورا از گفتگوی سازنده ذکر شده است که این خود نشانگر بهبود سطح روابط بین ایران و اروپا بود. از این رو اروپا به گسترش روابط سیاسی با ایران امیدوار بود و از کمیته سیاسی شورا خواست مجدداً اوضاع و احوال را مورد بررسی قرار دهد. در همین حال آن‌ها می‌خواهند در مورد اسلحه‌های کشتار جمعی، تروریسم، حقوق بشر، (همچنین در مورد فتوای قتل سلمان رشدی) و نظر ایران در مورد روند صلح خاورمیانه را بدانند. اروپا تلاش می‌کرد تا بر سر همکاری کامل ایران با IAEA به توافق برسد و ایران علاوه بر آن قرارداد الحاقی را امضا کند و به سازمان‌های نظارتی امکان حضور در ایران بدهد. سرانجام

این که غنی‌سازی را در حدی که سازمان انرژی اتمی معلوم می‌کند انجام دهد. همه این‌ها برای بهبود سطح مناسبات دوجانبه مؤثر و مفید خواهد بود. (۲۰۷۰۰ بروکسل ۱۹۹۸/۲/۲۳). یک هفته بعد اروپا از ایران می‌خواهد تا برای اولین گردهمایی اقدام نماید. (۲۰۷۸۰ بروکسل ۱۹۹۸/۳/۳۰).

نخستین چرخش‌ها در سیاست خارجی ایران با اتحاد اروپا^۱ با موضع‌گیری وزیر امور خارجه دولت خاتمی آغاز شد. اتحاد اروپا از اظهارات کمال خرازی در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۸ مبنی بر عدم‌مداخله دولت ایران در اجرای حکم اعدام سلمان رشدی استقبال کرد و آن را گام مثبتی در رابطه با اتحاد اروپا دانست و همچنین از پیشنهاد خاتمی به مجمع عمومی سازمان ملل که سال ۲۰۰۱ را سال گفتگوی تمدن‌ها اعلام کرد استقبال و پشتیبانی نمود. (بروکسل ۱۹۹۸/۹/۲۸). اگرچه بیانیه اتحادیه اروپا در ماه می ۹۸ از «اعمال مجازات علیه ایران - لیبی» هلموت برتون حمایت کرد اما اظهار داشت که چون نفت اروپا از ایران می‌آید ماده‌های سوم و چهارم باید با دادن فرصت به ایران اصلاح گردد. (بروکسل. ۹۸/۵/۲۵).

در سال ۲۰۰۰ گزارش‌های اتحادیه اروپا از بهبود روزافزون روابط ایران و اروپا خبر می‌دهند. اتحادیه اروپا در این سال پیشنهاد مذاکرات پیرامون توافقاتی بازرگانی و همکاری‌های بیشتر بین ایران و اروپا را داد. (۲۳۰۸۰ بروکسل. ۲۰ نوامبر ۲۰۰۰) در فوریه ۲۰۰۱ کنفرانسی به‌منظور بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا و بلژیک در بروکسل بر پا شد. در این کنفرانس شخصیت‌های اروپایی چون ژاک دو بوک وزیر امور خارجه بلژیک، صادق خرازی فرستاده وزیر امور خارجه ایران، راول دلکرد مشاور وزیر امور خارجه که فارسی نیز می‌دانست شرکت داشتند. علاوه بر افراد سیاسی تنی چند از اساتید دانشگاه‌های تهران، بروکسل، لیژ، و مؤسسه مطالعات سیاسی بین‌المللی (IPIS) حضور داشتند.

گزارش‌های سال ۲۰۰۱ از پیشرفت سریع روابط ایران و اروپا حکایت دارد. اتحاد اروپا به ایران توصیه می‌کند که هر چه سریع‌تر باب مذاکرات همکاری‌های بیشتر و گسترش روابط اقتصادی را مدنظر قرار دهد. (۲۳۴۶ بروکسل ۲۲۰۱/۵/۱۴) انعکاس این گزارش به شورای اتحاد اروپا سبب شد تا شورای مزبور به کمیسیون اروپایی که زمینه‌های مساعد را برای فراهم آوردن روابط بهتر بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی فراهم کرده است^۲ تبریک بگوید (۲۳۴۶ بروکسل ۲۰۰۱/۵/۱۷).

فرآیند تحولات سیاسی به‌گونه‌ای بود که سرانجام در دهم سپتامبر ۲۰۰۱ کمال خرازی وزیر امور خارجه از بروکسل دیدار کرد و با خاویر سولانا مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا به گفتگو پرداخت. این گفتگوها پیرامون چارچوب مناسبات ایران و اتحاد اروپا بود. یک ماه قبل پیامی از جانب سولانا برای خاتمی مبنی بر گسترش و تحکیم روابط ارسال شده بود. (بروکسل ۲۰۰۱/۹/۷) پروژه همکاری‌های ایران و اتحاد اروپا در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱ از طریق کمیسیون صنعت، تجارت خارجی،

تحقیقات و انرژی به پارلمان اروپا پیشنهاد گردید. این پروژه دارای یک مقدمه تاریخی، موقعیت اقتصادی، روابط موجود فیما بین، و نهایتاً یک نتیجه‌گیری ۷ بندی است. بر اساس این گزارش، اقتصاد ایران ناتوان بوده و نیازمند اصلاح ساختاری است که خود نیاز به اصلاح ساختارهای سیاسی دارد. اتحاد اروپا شریک اصلی تجارت ایران است (حدود ۴۰ درصد صادرات و ۳۶ درصد واردات).

گزارش مزبور در نتیجه‌گیری خود روابط اتحاد اروپا و ایران را بر پایه همکاری کمیسیونهای مختلف نظیر صنعت، تجارت خارجی، تحقیقات و انرژی، امور خارجه، حقوق بشر، امنیت مشترک و سیاست دفاعی می‌داند که پیرامون مسائل زیر باید صورت پذیرد:

۱- تداوم اصلاحات سیاسی و اقتصادی تا با گفتگوهای اقتصادی و سیاسی راه دموکراسی را هموار

نماید.

۲- حمایت از ایران در کشف و استخراج منابع نفتی به منظور ثبات بازار و قیمت‌ها.

۳- حمایت از ایران به منظور آماده کردن زمینه‌های بازار آزاد در پیوستن به سازمان تجارت

جهانی.

۴- حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با توجه به رعایت داوریه‌های بین‌المللی.

۵- درخواست از کمیسیون و شورای اروپایی برای تشدید تلاشها به منظور ایجاد روابط متقابل در

زمینه‌های «انرژی، تجارت، سرمایه‌گذاری» و تشویق ایران به انجام اصلاحات ساختاری در سیاست و اقتصاد.

۶- این توافق باید توسط ایران به تحقق بیوندد و کمیسیون و شورای اروپایی بر پیشرفت و

تحقق آن مداوماً نظارت داشته باشند.

۷- تمام این توافقات و احتمالاً قراردادها به افزایش ظرفیت ایران در چانه زنی برای ورود به

سازمان تجارت جهانی خواهد انجامید. (پارلمان اروپا. پروژه پیشنهادی ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱).

در دوازدهم دسامبر ۲۰۰۲ روابط عمومی کمیسیون اتحاد اروپا از برگزاری نخستین دور مذاکرات

بین ایران و اتحاد اروپا خبر داد که عمدتاً بر محور تجارت و همکاری‌های سیاسی و همکاری علیه

تروریسم بود. این گفتگوها در بروکسل صورت گرفته بود. افراد حاضر عبارت بودند از پیتیر لیشولت

هانسن Mr. Peter Lysholt Hansen. کریستین لفلر Mr. Christian Leffler. شمس

الدین خرقانی. کیا طباطبایی. (بروکسل ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲).

در سال بعد ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ خاویر سولانا و محسن میردامادی با یکدیگر ملاقات کردند و متعاقب آن از ۲۹ اوت تا ۳ سپتامبر ۲۰۰۳ سولانا به تهران آمد تا با مقامات بلند پایه ایران مذاکره نماید. اما با همه این پیشرفت‌ها چشم‌انداز آینده روابط ایران و اروپا چندان روشن نبود. در پاییز ۲۰۰۴ سه وزیر خارجه اروپایی به تهران سفر کردند تا اولاً خواستار توقف غنی‌سازی اورانیوم شوند ثانیاً ایران جزئیات برنامه اتمی خود را اعلام کند ثالثاً قرار داد الحاقی را امضا کند. (Posch.2016) این تلاش‌ها منجر به امضای توافق پاریس گردید. عدم حضور آمریکا در موافقت نامه پاریس ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ / ۲۴ آبان ۱۳۸۳ (سرپرست هیات ایرانی سیروس نصری بود) که به شدت علیه فعالیتهای اتمی ایران فعال شده بود و به کمتر از توقف کامل آن رضایت نمی‌داد موجب شکست آن را فراهم آورد. مذاکره کننده اتمی ایران تا قبل از این حسن روحانی بود که از غیر نظامی بودن اهداف هسته‌ای ایران دفاع می‌کرد. ماحصل کلام اینکه بی‌ثباتی رأی دولت مردان، مداخلات آمریکائیان در اعمال فشار بر اروپا در جهت همراهی با سیاست خارجی‌اش، کارشکنی‌های جناح‌های رقیب و ده‌ها عوامل دیگر روابط نه چندان مستحکم این دو را به مخاطره می‌انداخت.

ادعاهای سازمان‌های حقوق بشر و طرح شکوائیه علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر اروپایی از یکسو و فشارهای آمریکا بر اتحادیه از سوی دیگر مناسبات ایران-اروپا را تحت تأثیر خود قرار داد. لوموند دیپلماتیک در مقاله‌ای با عنوان «جمهوری اسلامی ایران زیر فشار» از تحرکات گسترده آمریکا سخن به میان می‌آورد. بر این اساس تلفات روزانه آمریکائیان در عراق و تردیدهای واشنگتن در مورد روحانیون شیعه تندرو عراقی منجر به تهدیدهای آمریکا علیه ایران گردید. آمریکا فشارهای خود را در رابطه با لغو برنامه‌های اتمی ایران تشدید کرده و آن را به مجامع بین‌المللی منجمله اتحادیه اروپا کشاند (لوموند دیپلماتیک ژوئیه ۲۰۰۳).

فشارهای آمریکا بر اتحادیه اروپا در رابطه با برنامه‌های تسلیحاتی و انرژی اتمی ایران در واقع به منظور درگیر کردن اروپا در مسائل ایران و سرد شدن روابط این دو با یکدیگر است چه در این صورت آمریکا قادر خواهد بود به آسانی بر ذخایر و منابع انرژی خاورمیانه چنگ اندازد. این نقشه برای اروپائیان نیز کاملاً شناخته شده بود.

صدای آلمان در یک گفتگوی رادیویی سازماندهی عملکردهای سیاسی چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی را مبتنی بر روابط اجتماعی و تنظیم آن با مناسبات قدرت می‌داند. تعریف منافع ملی و تبیین فضای سیاسی حاکم بر روابط بین‌المللی در محدوده منافع ملی، منجر به ارائه محدوده مسائلی چون حقوق بشر، انرژی اتمی، دموکراسی، جهانی سازی، حفاظت محیط زیست می‌گردد. این امر با

شناخت و درک موقعیت‌ها از طریق کسب دانش و جریان آزاد اطلاعات و گسترش نهادهای دموکراتیک و ایجاد ساختارهای لازم برای مشارکت جویی مردم امکان پذیر است. (Dw.World.de)

اما آنچه دوران خاتمی را با مشکل مواجه کرد رقابت‌های داخلی جناح‌های رقیب بود که در تقابل با یکدیگر سعی در ناکارآمدی سیاست خارجی دولت داشتند و عاقبت باقتل خبرنگار ایرانی - کانادایی 'زهرا کاظمی در زندان اوین' بهانه تازه‌ای به دست دولت‌های خارجی داده و موجب شدند تا دولت خاتمی - که تلاش‌های گسترده‌ای در ترمیم چهره ایران داشت - به عنوان دولتی ناقض حقوق بشر تبدیل گردد.

انتخاب بوش در دوره بعدی و رخ دادن حادثه ۱۱ سپتامبر' یکبار دیگر تخصصات آمریکا با ایران را افزایش داد. ایران که خود قربانی این خشونت‌گرایی بوده، در محور شیطانی قرار گرفت و اندکی بعد با سقوط طالبان و استقرار آمریکا در شرق ایران و سپس با سقوط صدام و اشغال عراق توسط آمریکا، ایران در محاصره کامل این قدرت جهانی قرار گرفت و با توجه به اینکه هیچ قدرت دیگری در ایجاد توازن سیاسی در سطح منطقه و جهان وجود نداشت، آمریکا به دیکته کردن دستورات خود به سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورها علیه ایران ادامه داد. در چنین شرایطی بود که دولت ایران در رویکردهای سیاست خارجی خود بیش از پیش از اتحادیه اروپا انتظار دریافت سیگنال‌های مثبت داشت که عملاً داده نشد.

ج: روابط اتحادیه و دولت احمدی‌نژاد (اوت ۲۰۰۵/مرداد ۱۳۸۴ تا اوت

۲۰۱۳/مرداد ۱۳۹۲)

احمدی‌نژاد که با حمایت جناح‌های اصول‌گرا به ریاست جمهوری رسید از همان آغاز با طرح سیاستی رادیکال در برابر اروپا و آمریکا موجب بر هم خوردن سیاست‌های خارجی دولت قبلی گردید. او در نامه‌نگاری با سران دولت‌های غربی از جمله با جرج بوش 'انگلا مرکل' نیکلا سارکوزی و پاپ بندیکت شانزدهم درصدد تبیین دیدگاه‌های انقلابی خود در روابط خارجی برآمد اما طرفی از آن نیست و با طرح نفی مسائل هلوکاست موجبات اعتراضات اتحادیه اروپا را فراهم کرد. دولت جدید قصد خود برای غنی سازی اورانیوم را اعلام کرد.

گروه سه به علاوه سه (۵+۱) متشکل از سه قدرت محوری اروپا و آمریکا، چین و روسیه برای مذاکره با ایران بر سر مسائل اتمی شکل گرفت. اتحادیه اروپا پذیرفت با مواضع سرسختانه آمریکا در قبال ایران که اکنون بدست احمدی نژاد اداره می‌شده همراه شود. اروپاییان به زودی دریافتند که سایت

غنی سازی فردو خارج از نظارت آنان بوده است. سیاست خارجی دولت احمدی نژاد سبب شد اتحادیه اروپا هم سخن با ایالات متحده آمریکا دست به تحریم‌های گسترده علیه ایران بزند و پس از رایزنی‌های زیاد پرونده ایران را از شورای آژانس به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد. از سال ۲۰۱۰ آمریکا نیز تحریم‌هایی علیه شرکت‌های اروپایی طرف حساب ایران وضع کرد. تحریم‌های جدید به بروز بحران‌های اقتصادی بیشتر منجر شد و مردم عادی را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر نفت ایران بانک‌ها و تمام فعالیت‌های تجاری زیر تحریم قرار گرفتند. (Fiedler. 2018:21) اولین قطعنامه علیه ایران در ژوئن ۲۰۱۰ صادر شد. بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا بر دامنه تحریم‌ها علیه ایران افزود و صادرات نفت هم شامل تحریم شد. (Posch.2016)

زمانی که جنگ عراق علیه ایران به پایان رسیده بود اکثر رهبران اروپایی به دنبال مذاکره با ایران بودند. اما در سال ۲۰۰۷ بر اساس مطالعه مرکز German Marshall Fund of United State ایران در افکار عمومی کشورهای اروپایی و آمریکا به عنوان یک تهدید اتمی که صلح خاورمیانه را مورد تهدید قرار می‌داد تلقی می‌شد. (Dominguez. 2007:4) نه تنها آمریکا بلکه شریک اصلی تجاری ایران^۱ آلمان نیز نگاهی خصمانه پیدا کرده بود. آنگلا مرکل احمدی نژاد را به خاطر مواضع مواضع ضد یهودی و هلوکاست محکوم کرده بود. او در فوریه ۲۰۰۶ گفته بود رییس جمهوری که موجودیت اسرائیل را زیر سؤال می‌برد و هلوکاست را انکار می‌کند لیاقت دریافت هیچ گونه نرمنشی از جانب آلمان را ندارد. (Dominguez. 2007:5) حجم مبادلات تجارت بین‌المللی ایران و آلمان در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۳/۳ و در ۲۰۰۵ حدود ۱/۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۴ کمپانی‌های آلمانی ۵ و در ۲۰۰۵ حدود ۵/۷ میلیارد دلار مبادله کالا داشتند.

از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ بحران اتمی ایران به یک بحران بین‌المللی تبدیل شد. انگلستان^۲ فرانسه و آلمان در رابطه با مسائل اتمی ایران راه گفتگوهای سیاسی را در پیش گرفتند. آن‌ها سیاست درهای باز در گفتگوهای مستقیم و غیر مستقیم را اتخاذ کرده و آمریکا را هم به این روش توصیه می‌کردند. (Posch.2016) اما سیاست خارجی دولت که بر اساس حق غنی سازی اورانیوم برای ایران^۳ جلوگیری از مداخلات قدرتهای خارجی در غنی سازی اورانیوم^۴ طرح هلوکاست و نابودی اسرائیل اعلام شده بود^۵ موجب فاصله گیری اروپا در وهله نخست و همسویی این اتحادیه با رفتارهای آمریکا در وهله بعدی شد. در اوایل سال ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد پرونده ایران را به دلیل اطلاعات اشتباه اشتباه از صنایع اتمی خود مورد بررسی قرار داد^۶ هر چند هنوز اروپا بر ادامه گفتگوها تاکید داشت و

سولانا پیشنهادهای تشویقی اقتصادی برای ایران داشت. آمریکا و شورای امنیت با این روش مخالف بودند و تهران نیز آن را رد کرد. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شورای امنیت شش قطعنامه علیه ایران صادر کرد. تحریم‌های گسترده علیه ایران وضع شد. (Posch. 2016)

برای اولین بار آمریکا در گفتگوهای ژنو در ۲۰۰۹ شرکت کرد و راه حل دو مرحله‌ای به ایران پیشنهاد گردید که شامل تأمین اساسی سوخت راکتورها و تداوم گفتگو برای حل تمام مسائل اتمی ایران بود. (Posch. 2016) در گزارش ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ شورای اتحادیه اروپا در خصوص تصمیم ۹ دسامبر ۲۰۱۱ و نتایج شورای سیاستگذاری اول دسامبر تأکید شده است که ایران بر اساس گزارش IAEA به تعهدات خود مبنی بر غیر نظامی بودن فعالیتهای هسته‌ای پای بند است. این گزارش می‌افزاید اقدام اخیر ایران برای غنی سازی ۲۰ در صدی اورانیوم در اعماق زمین در فردو نزدیک قم به منظور اهداف نظامی با نگرانی همراه است. سرعت بخشیدن به غنی سازی اورانیوم توسط ایران شش قطعنامه شورای امنیت و بازده مصوبه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را نادیده گرفته و بر تنش منطقه‌ای افزوده است. (بروکسل. ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲) مواد بیانیه شورای اتحادیه عبارتند از: ۱- ایران از همکاری با نهادهای بین‌المللی و آژانس خود داری می‌کند و تعهدات خود را زیر پا گذاشته است. بر این اساس به موجب توافق‌های یکم دسامبر ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا در حوزه‌های انرژی و مالی شامل بانک مرکزی ایران مقررات سخت گیرانه تری اجرا می‌کند و در حوزه تجاری برای طلا و کالاهای حساس و تکنولوژی محدودیت قائل می‌شود. برای سپاه و اعضای آن نیز محدودیت ایجاد می‌کند. ۲- شورا مجدداً بر پیگیری گفتگوهای سیاسی با ایران تأکید دارد. محدودیت‌های مالی اعمال شده علیه دولت برای برنامه‌های هسته‌ای است نه بر علیه مردم ایران و دولت مسئول همه این محدودیت‌ها می‌باشد. ۳- شورا تأکید دارد بر ایجاد حسن تفاهم و گفتگو برای رسیدن به یک راه حل پایدار در برنامه هسته‌ای ایران و این که ایران حق برخورداری از فناوری هسته‌ای صلح آمیز را دارد. شورای اروپا و متحدانش بر تداوم گفتگوها پای فشردده و خواهان حل بحران هسته‌ای هستند. (بروکسل. ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲) به رغم بحران‌های سیاسی موجود بین ایران و اروپا مبادلات تجاری گسترده‌ای بین آلمان و ایران وجود داشت. در سال ۲۰۱۲ حجم این مبادلات بالغ بر ۳/۱۵ میلیارد دلار بود. (Fiedler. 2019:16) شرکت توتال فرانسه نیز در سال ۲۰۰۷ یک قرارداد با شرکت نفت ایران منعقد کرد.

د: روابط با دولت اول روحانی

در ژوئن ۲۰۱۳ حسن روحانی به ریاست جمهوری انتخاب شد. او قبلاً در تیم مذاکره کننده اتمی بوده است. وی سیاست گفت و گو با ۱+۵ را دنبال کرد و پس از مذاکرات طولانی و سخت به توافق هسته‌ای دست یافت. بر اساس برجام (joint comprehensive plan of action) نه تنها برنامه‌های اتمی تحت نظارت قرار می‌گرفت بلکه اطلاعات تکنیکی نیز در اختیار آژانس قرار می‌گرفت. (Fiedler. 2019:22) در سال ۲۰۱۵ موگرینی تلاش کرد تا از طریق ایران گام‌های اساسی برای امنیت خاورمیانه و مبارزه با داعش بردارد و انگلستان نیز در جهت بهبود روابط خود با ایران کوشش می‌کرد. (Posch.2016) توافق برجام موجب گشایش روابط جدیدی با اتحادیه اروپا شد که با سفر روحانی به ایتالیا و فرانسه قراردادهایی به ارزش میلیاردها دلار برای بازسازی اقتصاد و صنعت ایران به امضا رسید. در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ سازمان ملل^۱ اتحادیه اروپا و ایالات متحده تحریم‌ها علیه ایران را لغو کردند در حالیکه لابی‌های یهودی و عرب برای برهم زدن آن فعالیت‌های گسترده خود را شروع کرده بودند. پس از توافق هسته‌ای آلمان بزرگترین شریک تجاری ایران به حساب می‌آمد. سایر کشورهای اروپایی بروابط گسترده تجاری خود را با ایران آغاز کردند. پس از برجام میزان مبادلات ایران و اروپا ۱۳/۷ میلیارد یورو بود برنامه ریزی برای افزایش آن به ۲۰ میلیارد یورو تا ۲۰۱۷ بود. از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۸ اروپا ۶/۹ میلیارد یورو به ایران کالا صادر کرد. ایران نیز ۸/۵ میلیارد یورو کالا به اروپا صادر کرده است. اما این روند پس از خروج آمریکا از برجام در ۲۰۱۸ با مشکل مواجه شد. (Adebahr.2018:3-4)

نتیجه

تحولات گسترده بین‌المللی در قرن بیستم و پدید آمدن نظام‌های سیاسی متعدد تا پایان قرن روابط خارجی ایران با دولت‌های بیگانه را تحت تأثیر خود قرار داد. در سال‌هایی که پیروزمندان جنگ جهانی ایران را به پل پیروزی خود تبدیل کرده بودند در بخش‌های مجاور شوروی بیم تجزیه وجود داشت که رقابت دو قدرت آمریکا و شوروی مانع آن شد. بهره‌گیری آمریکا از شرایط ایران تا پایان دولت پهلوی، این کشور را به دشمن شماره یک مردم تبدیل کرده بود و همین مسئله باعث شد تا در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی مواضع خصمانه‌ای را در پیش گیرد. حمایت آمریکا از جنگ افروزی عراق علیه ایران؛ و تجاوزگری‌های شوروی در افغانستان و حمایت از احزاب کمونیستی داخل ایران به

سردی و تیرگی روابط با این قدرت‌ها منجر گردید. اما ظهور اتحادیه اروپا که سعی داشت خود را جایگزین آن کند سبب شد تا چشم‌انداز تازه‌ای در روابط ایران با اتحادیه اروپا ترسیم شود. آغاز این روابط در دولت سازندگی با کندی همراه بود اما دولت اصلاحات موفق شد با در پیشگیری سیاست‌های حسن روابط با کشورها به توافقاتی چشمگیری دست یابد. رویکرد اتحادیه اروپا به مسائل خاورمیانه و نیاز آن به منابع انرژی منطقه و نیز با توجه به حضور همه جانبه آمریکا در منطقه و سیطره گسترده آن بر منابع انرژی می‌توانست توازن سیاسی جدیدی در جهت منافع ملی ایران ایجاد نماید. اما وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی این اتحادیه به آمریکا چنین فرصت‌هایی را پیش نیاورد.



منابع

- سلیمانی، م. و قریشی، گ.: «ایران و آمریکا بازی ناتمام». ماهنامه آفتاب. شماره ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۱. ص ۱۴ تا ۲۱.
- گرنویل، جان: تاریخ جهان در قرن بیستم. ترجمه جمشید شیرازی. فضل اله جلوه. علی اصغر بهرام بیگی. ج ۲ و ۳. تهران. انتشارات فرزاد. ۱۳۷۸.
19150. Conseil. Affaire générales. Luxembourg 22.04.96
20660. Conseil. Affaire générales. Bruxelles.26.01.98
20700. Conseil. Affaire générales. Bruxelles.23.02.98
20780. Conseil. Affaire générales. Bruxelles. 30. 03. 98
20970. Conseil. Affaires. Générales. Bruxelles. 25. 05. 98
23080. Conseil. Affaire générales. Bruxelles. 20. 11. 2000
2346. Conseil. Affaires générales. Bruxelles. 17. 05. 01
- Adebhar, Cornelius. Europe and Iran, The economic and commercial dimension of a strained relationship, Foundation for European progressive studies, dec. 2018, Instituto Affair Internazionali, (IAI).
- Conférence sur les relations Iran, Union Européenne et la Belgique. 15. 02. 2001
- Conseil de l'Europe. Rubrique droits de l'Homme, 1997.
- Conseil européen. Rapport sur Le Progrès de l'union européenne. 1997.
- Conseil de l'Europe. Human Rights. 1996.
- Council of the European union, council conclusions on Iran, 3124th foreign affairs council meeting. Brussels, 23 January 2012.
- Dominguez, Roberto. Iran : Anew challenge to Europe foreign policy. Miami-Florida -European Union Centre of Excellence. Vol.4, n.20, August 2007.
- Fidhl Fédération internationale des ligues des Droits de l'homme. Open Letter to the Minister of Foreign Affairs of the European Union. Octobre, 18.2002.
- Le Conseil de l'Europe. 1996.
- Le Conseil de l'Europe. Faits et Chiffres. Conseil de l'Europe. Belgique. 1996.
- Le Monde Diplomatique.
- Le Parlement Européen. Conseil de l'Europe. 1996.

Les Étapes de La Construction Européenne. Conseil de l'Europe. Strasbourg, 1996.

Parlement Européen. Les Pouvoirs de Parlement européen dans l'Union européenne. Luxembourg, 1993.

Parlement Européen. Projet d' Avis. 19 Septembre 2001

Parlement européen. Rapport 1995.

Paul-Marie de La Groce: La République islamique

UFIP. Rapport Annuel 2000. Le Pétrole en Europe.

Posch, Walter. Iran and European Union. 2016

Une nouvelle traite pour l'Europe. Amsterdam 17 Juin 1997

Fiedler, Radostow(2018). European union and the Islamic republic of Iran. Opportunities and challenges. Available in: ptsm.edu.pl/wp-content/uploads/2018/01/fieler.pdf

Peter Neville(2013). Historical Dictionary of British Foreign Policy. Lanham, Toronto, Plymouth, UK.

Tarock, Adam. Iran-western Europe Relations on the trend. British Journal of Middle East Studies, vol.26, N.1, May 1999, p 41-61.

Brussels. 28. 09. 98. Iran: Salman Rushdie.

Brussels. 7 September 2001. Visit of Mr. Kharazi to the council of the European Union. 10. 07. 01

Brussels. 12 December 2002. Eu and Iran to start negotiations on Trade and Cooperation agreement 12.12.02

۲۰۰۳ /۹/۳۰ DW- world.de

Centre for Human Rights in Iran, April, 29, 2013.

Le Monde diplomatique. Juillet 2003.p.8-9. L'Iran Sous Pression.